

Representation of the Struggles of Southern Iran's Local People against Western Colonialism

(A Case Study: The Struggles and Actions of Mir Mahanna of Bandar
Rig in the Narrative of Nader Ebrahimi)

Zahra Hatami¹

Mir Mahanna of Bandar Rig, a local ruler in southern Iran during the reign of Karim Khan Zand, has been depicted in different and often contradictory ways in Persian historiography, historical research, and literature. This study, employing Norman Fairclough's method of Critical Discourse Analysis, focuses on the character of Mir Mahanna in Nader Ebrahimi's novel, "On the Reddened Blue Roads" (*Bar Jadeh-ha-ye Abi-ye Sorkh*), to address the disparity between the historical and literary narratives concerning this figure. It aims to examine the author's objectives and to scrutinize the consequences of these differing perspectives on the collective mindset of Iranians. The central hypothesis of this research is that under the influence of Nader Ebrahimi's ideological, anti-colonial, and somewhat nationalistic perspective in the aftermath of the 1979 Islamic Revolution, Mir Mahanna was transformed. Originally an ordinary, local figure who confronted his Iranian and non-Iranian counterparts for power within the traditional framework of the pre-modern world, he underwent a significant and noteworthy process of being reimagined as a national figure with an anti-colonial stance and was introduced to Iranian society as a hero. This hypothesis is substantiated in the present research.

▪ **Keywords:**

Iran, Zand Period, Mir Mahanna of Bandar Rig, People of Southern, Struggles, Western Colonialism, Nader Ebrahimi, Narratives.

¹. PhD in Islamic Iran From the University of Tehran and Independent research.
Zahra.hatami1363@gmail.com



بازنمایی مبارزات مردم محلی جنوب ایران و استعمار غربی

(مطالعه موردی: مبارزات و اقدامات میرمهنا بندر ریگی در روایت نادر ابراهیمی)

زهرا حاتمی^۱

چکیده

میرمهنا بندر ریگی از حکام محلی ساکن جنوب ایران هم‌زمان با دوره حکمرانی کریم خان زند است که چهره‌هایی متفاوت و گاه متناقض از او در تاریخ‌نگاری، تاریخ‌پژوهی و ادبیات فارسی ارائه شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف در صدد است تا با محوریت بخشی به شخصیت میرمهنا در رمان «بر جاده‌های آبی سُرُخ» نوشته نادر ابراهیمی به چرایی تفاوت روایت در زبان تاریخی و ادبی در این کتاب پاسخ دهد، اهداف نویسنده را بررسی کند و پیامدهای این نگرش‌های متفاوت را بر ذهنیت جمعی ایرانیان مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. فرضیه تحقیق حاضر این است که میرمهنا، تحت‌تأثیر نگرش ایدئولوژیک، ضد استعماری و تا حدی ملی‌گرایانه نادر ابراهیمی در شرایط پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، از شخصیتی عادی و محلی که در چارچوب سنت‌های دنیای قدیم در راستای کسب قدرت به رویارویی با همتایان ایرانی و غیرایرانی‌اش می‌پرداخت، در یک روند معنادار و قابل تأمل به شخصیتی ملی با رویکردی ضد استعماری تبدیل شد و به عنوان قهرمان به جامعه ایرانی معرفی گردید؛ فرضیه‌ای که در تحقیق حاضر به اثبات می‌رسد.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، دوره زندیه، میرمهنا بندر ریگی، مردم جنوب، مبارزات، استعمار غربی، نادر ابراهیمی، روایت‌ها.

مقدمه و طرح مسأله

در حالی که ادبیات منبعی غنی از جریان‌های فکری، ذهنیت‌های جمعی و بازنمایی رویدادهای تاریخی است، نگاه سنتی سیاست‌زده به تاریخ، مانع از استفاده پژوهشگران این رشته از روش‌های میان‌رشته‌ای برای کندوکاو در گذشته بوده است. نادر ابراهیمی از نویسندگان نامور معاصر ایران در رمان «برجاده‌های آبی سُرخ» به سراغ شخصیتی تاریخی رفته و تلاش کرده است تا در روایتی چندلایه به بررسی زندگی، زمانه و کارنامه میرمهنا بندر ریگی و هم‌عصرانش از جمله کریم خان زند، شاه‌رخ شاه افشار و محمدحسن خان قاجار بپردازد. مسأله اصلی این پژوهش مقایسه تصویر ادبی میرمهنا با چهره او در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی فارسی است. فرضیه پژوهش حاضر این است که میرمهنا تحت تأثیر نگرش ایدئولوژیک، ضد استعماری و تا حدی ملی‌گرایانه نادر ابراهیمی در شرایط پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ از شخصیتی عادی و محلی که در چارچوب سنت‌های دنیای قدیم در راستای کسب قدرت به رویارویی با هم‌تایان ایرانی و غیرایرانی‌اش می‌پرداخت، در یک روند معنادار و قابل تأمل به شخصیتی ملی با رویکردی ضد استعماری تبدیل شد و به عنوان قهرمان به جامعه ایرانی معرفی گردید. در این مقاله از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

آثار پژوهشی مرتبط با میرمهنا بندر ریگی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول کتاب‌هایی که یکسره مرتبط با او هستند و دسته دوم آثاری که ضمن بررسی اوضاع سیاسی دوره زندیه اشاراتی هم به فعالیت‌ها و اقدامات ابن حکمران مدنی کرده‌اند. از مهم‌ترین آثار دسته اول می‌توان به کتاب‌های «میرمهنا و شهر دریاها» (مجموعه مقالات) نوشته حسن زنگنه (۱۳۷۷) و «میرمهنا بندر ریگی؛ رویارویی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در خلیج فارس» نوشته قاسم یاحسینی (۱۳۷۴) اشاره کرد که اولی در بردارنده مقالاتی از نویسندگان خارجی و دومی پژوهش تاریخی مستقلی در باره این شخصیت تاریخی است. در حالی که حسن زنگنه به چهره افسانه‌ای میرمهنا و جایگاه او در ذهنیت جمعی مردم و نحوه بر ساخت این تصویر اشاره‌ای نکرده است، یاحسینی در فصلی به نام «افسانه مبارزات ضد استعماری میرمهنا» به چهره افسانه‌ای ابن حکمران محلی در آثار اسماعیل رائین و سید جعفر حمیدی اشاره کرده است که سرمشق و الگویی پیش‌روی ادیبانی چون صادق جلالی

و منوچهر آتشی گذارده و از طریق آنها به باورهای عامیانه مردم راه یافته است. با این حال، یاحسینی محتوای آثار صادق جلالی و منوچهر آتشی را تحلیل و تفسیر نمی‌کند و مهم‌تر از آن اینکه اساساً نامی از رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ» نمی‌آورد.

از جمله مهم‌ترین آثار دسته دوم می‌توان به آثار ویلم فلور (۱۳۹۳)، عبدالحسین نوایی (۱۳۴۸ و ۱۳۸۶)، احمد فرامرزی (۱۳۴۶)، غلامرضا وره‌رام (۱۳۸۵)، رضا شعبانی (۱۳۸۳)، اسماعیل رائین (۲۵۳۶)، هادی هدایتی (۱۳۳۴)، اسکندر دلد (۱۳۶۳) و محمدباقر وثوقی (۱۳۸۴ و ۱۳۸۶) اشاره کرد. وجه مشترک همه این آثار، رویکرد سنتی تاریخی و محوریت بخشی به تاریخ سیاسی است که سبب شده است تا عمده منابع مورد استفاده نویسندگان آنها، منابع کلاسیک تاریخ‌نگاری باشد و در نتیجه به آثار ادبی بی‌توجهی شود. همچنین هدف از نگارش این آثار، شرح و بسط زندگی میرمهنا نبوده و اشاره به او تنها در ضمن بازنمایی رویدادهای سیاسی دوره زندیه صورت پذیرفته است.

توجه به این نکته ضروری است که در باره رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ»، مقالاتی با رویکرد نقد پسااستعماری نوشته شده است که از آن جمله‌اند: مقاله آرزو پوریزدان‌پناه کرمانی (۱۴۰۱) با عنوان: «نقد پسااستعماری رمان بر جاده‌های آبی سُرخ» و همچنین زهرا رضایی و احمد فروزانفر (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی شخصیت میرمهنا و غایبی (چهره پایداری جنوب) از دیدگاه خورشید فقیه و ویلیام فلور» شخصیت میرمهنا را در دو روایت ویلم فلور و خورشید فقیه مقایسه کرده‌اند. اما سایر مقالات در باره آثار ابراهیمی در زمینه‌ها و رویکردهای دیگری است که عمدتاً به مسأله شخصیت میرمهنا و اقدامات او بی‌اعتناء هستند.

نظریه و روش تحقیق

گفتمان یکی از مهم‌ترین مفاهیم اندیشه مدرن در علوم انسانی و اجتماعی است. تحلیل گفتمان، رویکردی چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای است که از درون رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان پدید آمده است. (تیلور، ۱۳۹۷: ۷) این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲م. توسط زلیگ هریس^۱ به عنوان روشی برای تحلیل گفتار و نوشتار ارتباطی مطرح شد. هریس بر دو مبحث عمده یعنی بررسی زبان در سطحی فراتر از جمله و نیز ارتباط بین رفتار زبانی و غیرزبانی تأکید داشت (پالتریج، ۱۳۹۵: ۱۲). این نظریه با این فرض آغاز می‌شود که هر موضوع و کنشی معنا دار است و معنای آنها

^۱. Zellig Harris .

حاصل نظام‌های به لحاظ تاریخی مشخص قواعد است. این نظریه شیوه‌ای را که روال‌های اجتماعی گفتمان را ساخته و به چالش می‌کشد، بررسی می‌کند (هوارث، ۱۳۹۷: ۳۹). در مجموع از سه رویکرد در تحلیل گفتمان می‌توان سخن گفت: تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۶) و در این میان، منسجم‌ترین و جامع‌ترین رویکرد به تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد نورمن فرکلاف زبان‌شناس، پژوهشگر بریتانیایی و استاد بازنشسته دانشگاه لنکستر^۱ و از بنیانگذاران تحلیل گفتمان انتقادی است (فرکلاف، ۱۳۹۹: ۸). او نخستین فردی بود که هنگام پیشنهاد یک نظریه گفتمانی و بررسی تغییرات اجتماعی از رویکرد انتقادی استفاده کرد. فرکلاف کار خود را بر اساس آثار فوکو و برخی نظریه‌پردازان نومارکسیست و دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی بنیان نهاد. وی که نقشی مهم در استفاده از این رویکرد به عنوان شیوه تحلیلی داشت، بر این باور تأکید دارد که متن، معنی را به وسیله ویژگی‌های زبانی انتقال نمی‌دهد، بلکه معنی به واسطه ساختارهای گفتمان‌مدار تولید و درک می‌شود و این معنا نشان‌دهنده ایدئولوژی خاص و یا شیوه‌های کنترل و دستکاری روابط قدرت است. فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی را تحلیل رابطه متن و سطوح مختلف بافت اجتماعی تلقی می‌کند و هدف تحلیلگر را تبیین رابطه بین متن زبانی، فرایندهای تولید و تفسیر و بافت در نظر می‌گیرد. روش تحلیلی او در سه زیر سطح قابل پیگیری است:

- ۱- توصیف که عبارت از تحلیل ویژگی‌های صوری متن است.
- ۲- تفسیر به معنای بررسی و توضیح روابط موجود در بین فرایندهایی که موجب تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌گردند.
- ۳- تبیین که به معنای مطالعه ارتباط بین تعامل و بافت اجتماعی و توضیح رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع در حین توجه به سابقه و زمینه فرهنگی آن گفتمان است (فرکلاف، ۱۳۹۹: ۸).

در هر سه مرحله با تحلیل سر و کار داریم، اما ماهیت آن در هر مرحله‌ای متفاوت است. تحلیل در مرحله اول به برجسب‌دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفاء می‌کند و متن را به مثابه یک شی در نظر می‌گیرد. در مرحله دوم تحلیل گفتمان به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعاملات میان آنها می‌پردازد و مرحله تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای

¹. Lancaster University

اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارند و نیز از آنها تأثیر می‌پذیرند^۱ (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۳).

سطح نخست: توصیف

۱- واژگان و تعابیر

میرمهتا در روایت ابراهیمی «بلندبالا، سینه‌ستبر، خوش‌چهره، گردنکش گردن‌کشیده با پوزخندی که در خواب هم از لبانش نمی‌گریخت و نگاهی همچون گل آتش خاکستر از تن خویش تکانده، خوش‌چهره‌ترین مرد تمام بندر ریگ است که قصه تهور او بر سراسر جنوب مسلط شده و می‌توان او را دلاورترین و کینه‌مندترین مرد دریای جنوب نام نهاد. نادر ابراهیمی برای توصیف میرمهتای بندر ریگی از عباراتی چون شوخ‌طبع، بذله‌گو، طناز، خنده‌رو، زنده‌دل و آزاده و همچنین میرمهتای بزرگ و مدافع سرسخت دریای فارس، نماد ریگ، چراغی در اعماق دره‌های وطن، مرد بی‌پروای دریای جنوب، سالار پیکارگران با ایمان، زبمردی که ایران فراوان به آن بدهکار است، یک حادثه عظیم و پی‌دار تاریخی، بی‌پروا و یاغی، امیر خطه جنوب، بزرگترین سردار دریایی ایران در طول تاریخ، جوانمرد بزرگوار، عاشق و رزمجوی حرفه‌ای یاد می‌کند. میرمهتای قصه ابراهیمی، عشق به ایران و اسلام و تشیع را توأمان دارد و سودای کشته‌شدن در راه ایران و ایمان در سر می‌پروراند. او عابدی درستکار است که بر پرچم‌های مردان یاغی بی‌پروایش لاله‌الاله، الله‌اکبر و نصرمن‌الله نقش کرده و در مناجات‌های شبانه غمگینانه‌اش خواسته‌ها و اهداف آنچه را ابراهیمی «نهیضت» و «جنبش شگفت» و «مقدس» و «جنگ باشکوه» می‌نامد، از خداوند یکتا طلب می‌کند. میرمهتای «بر جاده‌های آبی سُرُخ»، شخصیتی جامع‌الاطراف، ملی‌گرا و وطن‌پرست با آرزوی یکپارچگی سیاسی ایران است و حسین بن علی (ع) را به عنوان الگوی ایمان و مقاومت انتخاب کرده و پرچم حق‌طلبی مولایش علی (ع) را به دوش دارد و به خاطر امام شیعه و به هوای وصل او «با کرورها کرور اجنبی» در حال نبرد است. (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۶۷۴، ۶۶۶، ۶۶۱، ۶۳۷، ۶۰۳، ۵۱۲، ۳۶۲-۳۶۱، ۳۰۲، ۲۶۳-۲۶۲، ۱۱۹، ۱۱۷، ۷۰، ۶۱، ۵۳، ۳۵، ۱۰-۹).

ابراهیمی در فصول مختلف کتاب خود به تفصیل در باره دیگر چهره‌های تاریخی معاصر با میرمهتا از جمله کریم خان زند، شاهرخ شاه افشار، محمدحسن خان قاجار، آزاد خان

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: (فاضلی، ۱۳۸۳؛ آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱؛ سجودی و دیگران، ۱۳۹۳ و خان‌محمدی، ۱۴۰۲)

افغان و حتی آقامحمد خان نوجوان داد سخن سر داده و آنها را در نقطه مقابل شخصیت محکم، مردانه و دوراندیش میرمهنا قرار داده است. وی از شاهرخ شاه افشار با عباراتی چون مخبّط، سلطانِ علیلی ناینای کم عقل، ذلیل، بیکاره، وامانده، عقب مانده و معیوبالعقل (۶۵۹، ۵۱۵، ۵۱۳، ۵۰۳، ۳۴۶، ۳۳۴، ۳۲۴) یاد می کند که در دوره طفولیت مانده و در ترس دائمی از غلبه دشمنان واقعی و خیالی امکان تصمیم گیری درست را از دست داده است و عمدتاً و به اجبار به مادر و وزیرش متکی است.

خان زند شخصیتی متزلزل است که دوگانگی اندیشه، رفتار و کردار خود را به قول ابراهیمی تا زمانی که میرمهنا بی پروای وطن خواه زنده بود، در مقابل او داشت و بروز هم می داد. حاکمی در برابر «زنان و اجانب، ضعیف» که «برخلاف ظاهرش، نفس ناتوانی دارد. پیش زنان ذلت پذیر می شود و پیش اجانب، حقیر.» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۲۹۹) ابراهیمی خوی ایلپاتی کریم خان زند را برجسته کرده و تصمیمات خردمندانه او را به حلقه یاران و مشاورانش از آقامحمد خان نوجوان و غزاله بانوی همسرش گرفته تا میرزا محمدجعفر خورموجی وزیر نسبت می دهد که از قضا با میرمهنا نسبت فامیلی دارد و شوهر خواهر او و طبیعتاً وفادار به اوست. شخصیت کریم خان زند در روایت رمان «بر جاده های آبی سُرخ» در جایگاهی فروتر از غزاله بانو قرار داده شده است که با همکاری و همدستی میرزا محمدجعفر خورموجی دست یاری به میرمهنا داده است و این سخن اوست که: «میرمهنا دوغابی^۱ حاکم ریگ از این پس به دلیلی موجه [...] به میرمهنا بنویس که غزاله بانو از این پس بدانند و تو میرزا محمدبیگ خورموجی [...] به میرمهنا بنویس که غزاله بانو از این پس پناهگاه تو خواهد بود، سرسختانه و استوار و تنها مرگ من می تواند این فرصت را در اختیار وکیل بگذارد که به خواست اجانب به جانب تو یورش بیاورد و سپاه تو را بگریزند» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۵۲۵). در این روایت، اگر چه کریم خان زند شخصیتی یکسره منفی نیست، اما ایران گرایی، وطن پرستی و آزادگی میرمهنا را ندارد و در خوف و رجاء نسبت به او به سر می برد که گرچه حضورش در جنوب مانع تسلط و غلبه دشمنان است، اما خود می تواند به سادگی به چالشی جدید برای حکومت زندیه تبدیل شود که به دشواری در حال نبرد با مدعیان قدرت در سراسر قلمرو به میراث مانده از نادر شاه افشار است.

۱. برخی منابع نام او را میرمهنا و غایی آورده اند.

اهداف، امیال و خواسته‌های میرمهنای بندر ریگی

۱- انگیزه قتل پدر

دوگانه میرناصر- میرمهنّا؛ پدر و پسری که برخلاف رسم رایج فرزندکشی در تاریخ ایران با پدرکُشی به رابطه دوسویه پایان می‌دهند، بر اساس عنصر ارتباط با بیگانه تعریف و بنیان نهاده شده است. ابراهیمی ردپای میرناصر دغابی را در تاریخ می‌جوید و به خواننده نشان می‌دهد که او که فرمان حکمرانی بندر ریگ و اطراف آن را از نادر شاه افشار گرفته است، در اثر حوادث روز و بی‌ثباتی سیاسی پس از قتل نادر، «دیگر آن میرناصر قدیم نبود» و «خوف عظمت کشتی‌های غول‌پیکر و سلاح‌های مرگبار انگلیسی‌ها و هلندی‌ها از یک‌سو و وسوسه ثروت و لذت، خستگی و بی‌ایمانی از سوی دیگر، وی را به سرسپردگی نسبت به اجانب کشیده بود.» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۵۳-۵۲)

در رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ» هر سه پسر میرناصر به نام‌های میرعبدالله، میرمهنّا و میرفضل‌الله و نیز دو دامادش [...] همه اهل شعور و دانش و ایمان (ابراهیم، ۱۴۰۲: ۵۳) و خشمگین و نگران نسبت به روابط پدر و بیگانگان هستند.

«مهنّا می‌گفت: نگوئید پسران میرناصر بی‌خیال‌اند و بی‌بندوبار و بی‌اعتناء به عظمت مصیبت. علیرغم شرایط شاد بودن، علیرغم شرایط مؤمن ماندن، علیرغم شرایط تن به فساد ندادن، صداقت و سلامت را حفظ کردن و سرسختانه و پیوسته جنگیدن و تسلیم دل‌مردگی نشدن، این وظیفه انسان است [...]؛ انسانی که حق دارد از اندوه سقوط روح هموطنان کاردار خویش خون‌گریه کند و حق دارد به جنون گرفتار شود و حق دارد قداره‌کشان جمیع دزدان و باج‌خواهان و نامردان روزگار را به جهنم بفرستد، اما تا لحظه موعود دندان بر جگر فرو می‌برد و از این حق مسلم استفاده نمی‌کند» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۷۲-۷۱).

ابراهیمی قتل میرناصر را مستقیماً به رابطه او با هلندی‌ها و خیانت وی به وطن نسبت می‌دهد و در گفت‌وگویی میان میرمهنّا و مادرش می‌گوید: «کشتن پدری که به خاک، به مردم، به دین و به فرزندان خویش خیانت می‌کند، کار آسانی نیست، اما اقدام لازمی است. مادر! شیخ ما به دلیل ضرورت فتوا می‌دهد نه آسانی و انسان متقی، اعمال را نه به دلیل آسانی آنها، بلکه به دلیل وجوبشان انجام می‌دهد» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۰۸).

دوگانه میرمهنّای خادم و میرناصر خائن در توجیه جنایت رخ‌داده، بُعدی دیگر نیز می‌یابد و آن اینکه ابراهیمی با تصویر میرناصر به عنوان فردی تارک‌الصلاة، اما ظاهرالصلاح (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۷۲) و میرمهنّای متقی عاشق ائمه شیعه (ع) مرگ او را به واسطه فتوای

شیخ امین مجتهد، روحانی بندر ریگ که حکم مشاور میرمهنا را دارد، توجیه می‌کند که: «از سید امین فتوا بخواهید. در باب آنچه که میرناصر دغابی تا به حال با امت و ملت کرده و فروختن خارک و خارکو به اجانب و سرقت دستمزد مردان دریا و عیاشی‌های حرام و خیانت‌های دیگر که او خود بسیاری از آنها را می‌داند، به تفصیل بگوئید و بگوئید که اگر در بندر ریگ پیش چشم مردم ما با هلندی‌ها و انگلیسی‌ها پیمان‌های نامشروع ببندد، آیا حکم اعدام او را می‌دهند یا نه و اگر می‌دهند ما سه برادر را مجاز به اجرای حکم می‌شناسند یا خیر؟» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۶۸).

۲- بیگانگان در نگاه میرمهنا

رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ»، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها، دولت عثمانی و عرب‌های ساکن جنوب خلیج فارس و حتی شماری از اعراب مهاجر در ساحل شمالی را در صف دشمن تصویر کرده و به آنها به یک چشم می‌نگرد. با این حال، دوگانه‌فرنگی کافر و ایرانی‌مسلمان بر سراسر متن رمان حاکم است و پُرنرنگ‌تر می‌نماید. ابراهیمی، اروپائیان را یکدست و متحد با هم در سودایی واحد می‌داند و هر گونه همکاری با آنها را به معنی «نوکری» قلمداد کرده، محکوم می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۴۵۳). برای میرمهنا قصه ابراهیمی تفاوتی میان اجنبی انگلیسی و هلندی نیست و میرمهنا همان اندازه با هلندی‌ها دشمن است که با انگلیسی‌ها و در روایت داستانی، میرمهنا درک درست و واقع‌بینانه‌ای نسبت به مسائل منطقه و جهان و پدیده استعمار دارد و کودکان ایرانی و هندی را در فرودست‌شماری به دست اجانب انگلیسی و هلندی یکسان به حساب می‌آورد و از این نظر، آینده ایران را با هند مقایسه می‌کند و از آن احساس خطر می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۴۵۳).

خواست اصلی میرمهنا، خالی شدن خلیج فارس از همه بیگانگان و بازگشت آنها به سرزمین‌های خود است و چنین می‌گوید: «بیگانگان از هر قوم و قبیله که باشند باید خلیج فارس و دریای عمان را بدون تأمل تخلیه کنند و به سرزمین‌های خود بازگردند. بروند پیک بفرستند و اگر از ما تقاضایی دارند، مکتوب به آن پیک بسپارند. پس از آن اگر شما اجازه دادید، آن‌ها حق خواهند داشت با حقوق مساوی با شما طی قراردادهایی عادلانه گروه‌هایی کوچک را برای تجارت و فقط تجارت به بندرهای ما بفرستند و متقابلاً گروه‌های کوچکی از ما نیز برای تجارت به بندرهای آن‌ها بروند» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۲۸۸). توجه به این نکته ضروری است که ابراهیمی علاوه بر ضدیت میرمهنا با بندر ریگی و اروپائیان، او را در تقابل با عثمانی‌ها و اعراب جنوب خلیج فارس نیز نشان داده است و یکی از اهداف او را مبارزه با

همه این گروه‌ها تعیین نموده است: «من سراسر جنوب را به جنگیدن بر ضد انگلیس و هلند و عثمانی وادار خواهم کرد» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۹۶).

میرمهنتای ابراهیمی نه تنها به دنبال یکپارچه کردن سیاسی ایران و بیرون راندن بیگانگان از خلیج فارس فراتر از خارک و خارکو است (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۹۷)، بلکه سودای زبان فارسی دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که: «آهای دیلماج^۱ بدنهاد! به اربابانت [هلندی‌ها] بگو که بعد از این اگر می‌خواهند با ما حرف بزنند، بروند فارسی یاد بگیرند. چشمشان کور. ما بعد از این با جمیع بیگانگان به زبانی که می‌دانیم حرف می‌زنیم- بدون واسطه- و هیچ زبانی هم به جز فارسی نمی‌دانیم» (همان: ۹۹). او خود را «مجموع خاطرات ملت خویش» از خلیج فارس می‌داند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۸۲) و از زنان ریگی می‌خواهد تا «فرزندان خود را برای کشته شدن در راه استقلال وطن به دنیا بیاورند و به فرزندانشان خود حب‌الوطن بیاموزند» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۹۸-۱۹۷).

سطح دوم: تفسیر

بافت موقعیتی

رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ» در قالب ۵ کتاب و ۳۱ فصل به شرح بخشی از زندگی میرمهنتای بندر ریگی پرداخته است. کتاب اول (فصل سبز آشنایی‌ها) با عنوان «مار در آستین» آغاز می‌شود و چشم‌اندازی از شخصیت میرمهنتا، جایگاه اجتماعی او در میان مردم بندر ریگ و چرایی رویارویی و سپس قتل پدر وی- میرناصر بندر ریگی- به دست او می‌دهد. روایت ابراهیمی از زمانه میرمهنتا به شیوه لایه‌لایه و تودرتو از بندر ریگ، زادگاه میرمهنتا تا شیراز پایتخت کریم خان زند و خراسان شاهرخ شاه افشار و کرانه‌های مازندران و تکاپوهای محمدحسن خان قاجار و نزاع مداوم آزاد خان افغان گذر می‌کند و بی‌آنکه شرح حال میرمهنتا را کامل کند، از اعدام او به دستور پاشای بصره سخن می‌گوید و در لحظات بحرانی حمله به نیروهای او خاتمه می‌یابد.

شخصیت اصلی رمان، میرمهنتا است که لایه‌های متفاوت کردار و تصمیمات او در تقابل با مدعیان قدرت از کریم خان زند، شاهرخ شاه افشار، آزاد خان افغان، محمدحسن خان قاجار و حاکمان محلی مانند شیخ سلمان، نصیر خان لاری، شیخ سعدون و شماری از افراد نزدیک به وی مانند حسن سلطان دیلمی تصویرسازی و توصیف می‌شود. زبان داستانی «بر

۱. دیلماج به گفته علی‌اکبر دهخدا کلمه‌ای ظاهراً ترکی است، به معنی «کسی که از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند».

جاده‌های آبی سُرخ»، حماسی است و گرچه بخش عمده رمان در بندر کوچک ریگ و نواحی پس کرانه‌ای خلیج فارس رخ می‌دهد، اما زبان مورد استفاده نویسنده ساده، بومی و مرتبط با دوره تاریخی زندیه نیست.

ابراهیمی کتاب خود را از زاویه دانای کل نوشته و همین باعث شده که نه تنها از ذهن و ضمیر شخصیت‌های رمان بالاخص میرمهنا خبر دهد، بلکه گاهی اوقات خود نیز اندیشه‌اش را به صورت عریان و بی‌پرده بیان کرده و نظر شخصی‌اش را به عنوان نویسنده در باره تاریخ و تاریخ‌نگاری، سیره پادشاهان، مسأله مردم و نبود آنها در تاریخ، پدیده استعمار و کردار حکمرانان توضیح داده است.

بافت تاریخی

بندر ریگ در ساحل شمالی خلیج فارس در بخش شمالی بوشهر و جزیره خارک واقع شده است. مردم آن عمدتاً فارسی‌زبان و اهل تشیع هستند و جز شماری اعراب مهاجر از مناطق جنوبی خلیج فارس از جمله کویت، جمعیت عرب چندانی در آنجا زندگی نمی‌کند و شغل اهالی، زراعت، تجارت، ملاحی و ماهیگیری گزارش شده است (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۲). در اواخر دوره صفویه، جمع‌کثیری از طوایف عرب از تیره آل زعاب به اطراف بندر ریگ مهاجرت کرده و به شغل ماهیگیری و صید مروارید مشغول شدند. پژوهشگران تاریخ، دوره شکوفایی بندر کوچک ریگ را از زمان ضابطی میرناصر زعابی- پدر میرمهنا- دانسته‌اند که با افول بندر عباسی و تصمیم شرکت‌های هلندی- انگلیسی به انتقال دفاتر خود به این بندر و استقرار هلندی‌ها در خارک و انگلیسی‌ها در بوشهر، موقعیت مناسبی برای آن به وجود آورد و زمینه‌های رقابت بین این بندر و بوشهر را افزایش داد (وثوقی، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۱۸).

بازرگانان هلندی در سال ۱۰۰۶-۱۰۰۵ق. / ۱۵۹۷م. شرکت بزرگی به نام "شرکت بازرگانی با کشورهای دوردست" ایجاد نمودند و هفت سال بعد، این شرکت از طرف دولت هلند به نام "شرکت هند شرقی هلند" نامگذاری شد و دولت هلند امتیازات مالی و اختیارات وسیعی به آن بخشید. دولت انگلستان در رقابت با این شرکت هلندی، شرکت "هند شرقی بریتانیا" را تأسیس کرد (نوابی، ۱۳۸۶: ۱۵۷). هنگامی که در سال ۱۱۶۵ق. / ۱۷۵۱م. تیدو فون تیفاؤوسن^۱ رئیس شرکت هلندی در بصره به داشتن رابطه با زنی مسلمان متهم شد و به ناچار برای آزادی خود مبلغی گزاف پرداخت کرد، توانست فرماندار کل شرکت در باتاویا را به

^۱. Tido Von Kniphausen.

مزایای برنامه‌ای اصلاحی برای تجارت هلند در خلیج فارس متقاعد سازد. فون تیفائوسن پیشنهاد کرد که شرکت تجارتخانه‌های خود در بصره، بوشهر و در پایان بندرعباس را تعطیل و تجارتخانه‌ای در بندر خارک برپا کند (پاتر، ۱۳۹۳: ۳۷۵). در این زمان، علاوه بر هلندی‌ها، انگلیسی‌ها نیز در خلیج فارس پایگاه داشتند و در تلاش بودند که از طریق ارتباط با حکام عرب حاشیه خلیج فارس و پادشاهان ایران، امکان ادامه تجارت خود را فراهم آورند.

مقایسه تاریخ و روایت داستانی نادر ابراهیمی

برخلاف روایت ابراهیمی، منابع تاریخی هم‌زمان یا نزدیک به دوره زندیه و عمده آثار تاریخ‌پژوهان ایرانی و غیرایرانی، اقدامات میرمهتا را تقبیح کرده‌اند. ابوالحسن غفاری کاشانی از وی با عبارت «سردفتر فساد» یاد کرده است که «به شرارت ظاهر و شقاوت باطن، معروف ترک و تاجیک و شرح حالاتش زبازد دور و نزدیک» بوده و «به حرکتی که هیچ کافر بلکه هیچ آفریده را جرأت به ارتکاب و میل به اقدام آن نمی‌باشد، قیام نموده با میرناصر پدر خود به علت محبوبه‌ای طرح رقابت انداخته و در فرصتی پدر را به خنجر بی‌رحمی و بی‌شرمی مقتول ساخته و علاوه بر آن به سبب اغراض فاسده دنیوی به دفعات به قتل جمیع برادران و اعمام و عم‌زادگان خود پرداخته به دست بی‌باکی و سفاکی لوای حرب و عصیان برافراخته بود» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۷۴). نویسنده تاریخ گیتی‌گشا از او با القابی چون «از جمله مفسدین غدار» و «طاغیان» و «غریقان لجه فساد» یاد کرده است که «نظر به شرارات که با آب و گلش معجون و بنا بر فساداندیشی که دلش به آن مفتون بود [...] در ساحل بحر عمان امواج بحر افساد و اضراش از صرصر شرارت و تندباد خیانت به اوج کیوان رسید» (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲-۱۶۱). میرمهتا در روایت تاریخی محمدهاشم آصف (رستم‌الحکماء) نیز با صفات «سفاک بی‌باک»، «غیور بی‌باک»، «جنجگوی پرخاشجوی خونریز» و «فتنه‌گر آشوب‌طلب» که «اهل هفت‌کشور از سرقت و شلتاق او به ستوه آمده بودند و قدرت بر دفعش نداشتند»، یاد شده است (رستم‌الحکماء، ۱۳۸۲: ۳۹۵). میرزا حسن حسینی فسایی در فارسنامه از او به عنوان فردی ناسازگار با همسایگان دور و نزدیک خود یاد کرده است که «روی دریا بنای راهزنی» گذاشته بود و اهالی بنادر خلیج فارس از جمله بصره از «دست او آزارها کشیده بودند» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۶۱۰-۶۰۹). کارستن نیبور^۱ هم که در زمان میرمهتا از منطقه جنوبی ایران بازدید می‌کرد، نظر این تاریخ‌نگاران

^۱. Carsten Niebuhr

ایرانی را تأیید می‌کند و از قطع رابطه تجاری بوشهر و شیراز در اثر مزاحمت میرمهنا برای کاروان‌های تجاری میان دو شهر بوشهر و شیراز حکایت کرده (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹-۴۱؛ آقاجری و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۸) و از ویرانی برخی روستاهای سر راه بر اثر اقدامات میرمهنا در اجبار روستائیان به ترک خانه‌هایشان سخن گفته است (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۵۶). در این روایات، میرمهنا بندر ریگی نه به سودای آزادی وطن که در رقابت با پدر در مهرورزی به زنی اقدام به قتل پدر کرده است (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۱؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۷۴).

دیدگاه تاریخنگاران ایرانی بر پژوهشگران تاریخ ایران هم مؤثر افتاد و عمده این نویسندگان در شرح حوادث دوره زندیه همین تصویر را از میرمهنا ارائه داده‌اند. دکتر عبدالحسین نوایی از میرمهنا به عنوان «دزد دریایی» یاد کرده (نوایی، ۱۳۴۸: ۱۱۳-۱۱۲)، احمد فرامرزی «شرارت و هنگامه‌جویی را خصلت طبیعی» میرمهنا بندر ریگی دانسته و علت توقیف او توسط کریم خان زند را «شرارت، خوانخوارگی و ناراحتی» او معرفی کرده است (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۳۴). عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی وی را «راهزن معروف خلیج [فارس]» دانسته (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۵: ۱۸۱) و هوشنگ هدایتی از او به عنوان فردی یاد کرده که «از اطاعت حکومت مرکزی سرپیچید و به غارت و راهزنی در سواحل خلیج فارس پرداخت» (هدایتی، ۱۳۳۴: ۱۶۸). مهدی بامداد نیز کریم خان زند را بانی «دفع شر امیرمهنا و جلوگیری از راهزنی‌های دزدان دریایی او» برشمرد (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۸۸) و سرانجام کریم کشاورز به نقل از پرسن^۱ از وحشت و هراس ایجادشده توسط او و یارانش در میان دریانوردان خلیج فارس یاد کرده و از او به عنوان «یکی از مشهورترین دزدان دریایی خلیج فارس» نام برده است (کشاورز، ۱۳۶۳: ۳۵).

روابط میرمهنا و کریم خان زند

روابط میرمهنا و کریم خان زند دیگر موردی است که در متن روایت‌های تاریخی (منابع و مآخذ) با روایت داستانی ابراهیمی منطبق نیست. در حالی که در کتاب «بر جاده‌های آبی سرخ» روابط میرمهنا و کریم خان مثبت ارزیابی شده و حتی خواننده حس می‌کند که میرمهنا عملاً خود را به عنوان ضابط و حاکم منصوب کریم خان به شمار آورده و طالب کمک مالی و نظامی کریم خان در رویارویی با بیگانگان به عنوان یکی از حکام تحت امر اوست، اما در روایت‌های تاریخی اینچنین نیست. غفاری کاشانی عنوان بخش مرتبط با

^۱. Parson

میرمهتا را ذیل «شرح حدوث فتنه میرمهتای زعابی و به جزاء رسیدن آن گم گشته طریق عصیان و بی حسابی» آورده (غفاری کاشانی: ۲۷۴) و محمدهاشم آصف به «ذکر داستان یافی گردیدن و طغیان ورزیدن میرمهتای جنگی پرخاشجوی خونریز با عالمی در ستیز غیور متعصب» پرداخته است (رستم‌الحکماء: ۳۹۵). کارستن نیبور از جنگ بین کریم خان و میرمهتا سخن گفته (نیبور: ۱۵۱) و میرزا حسن حسینی به سوابق طغیان‌های چندگانه میرمهتا در برابر حاکم زندیه اشاره کرده که گرچه دوبار به مشاوره و پادرمیانی میرزا محمد بیگ خورموجی راه به صلاح برد (حسینی فسایی: ۶۰۹)، اما در نهایت به لشکرکشی سراسری زکی خان زند با کمک حکمرانان محلی جنوب علیه میرمهتا می‌انجامد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۶۰).

میرمهتا و همکاری با بیگانگان

فراتر از این امور، برخی گزارش‌های دست اول، انگاره قطعی و مطلق انگاشته ابراهیمی در قیام و طغیان میرمهتا علیه همه بیگانگان را زیر سؤال می‌برد و نشان می‌دهد که روابط میرمهتا و همسایگان اروپایی جدید همیشه در یک روال و سیاق نبوده و بنا بر منافع دو طرف دگرگون شده است. یکی از نمونه گزارش‌ها، روایت کارستن نیبور از جنگ میرمهتا با کریم خان زند و حاکم محلی مطیع او - شیخ بوشهر - است: «میرمهتا مدتی است که علناً با کریم خان وکیل ایران و شیخ بوشهر که مطیع اوست، در حال جنگ به سر می‌برد [...] هر دو طرف متخاصم [...] خواستار دوستی با انگلیسی‌ها بودند. کریم خان می‌خواست موقع حمله نیروی نظامی او از طرف خشکی، انگلیسی‌ها همراه شیخ بوشهر از طرف دریا به مقرر قدرت میرمهتا حمله بکنند. در عوض میرمهتا میل داشت که انگلیسی‌ها به جای بوشهر در بندر ریگ مستقر بشوند، اما می‌دانست که اگر او توانایی مقابله با نیروی زمینی کریم خان را نداشته باشد، نمی‌تواند امیدوار باشد که انگلیسی‌ها از حمایت شیخ بوشهر دست بردارند و او را با ثروتش در دریا تنها نگذارند. آقای پرویس^۱ می‌کوشید با هر دو طرف متخاصم رفتار دوستانه‌ای داشته باشد تا بتواند کارهای بازرگانی خودش و همچنین کمپانی هند شرقی را با خاطر جمعی بیشتری انجام بدهد» (نیبور: ۳۹-۴۱). ویلم فلور؛ نویسنده و تاریخ‌پژوه هلندی با مطالعه اسناد کمپانی هند شرقی هلند نشان داده است که برخلاف نظر و رأی ابراهیمی، در این بازه زمانی، نه سیاستی واحد از سوی کشورهای اروپایی برای استعمار ایران

^۱. Jervis.

وجود داشت و نه لزوماً فرماندهی کمپانی در باتاويا علاقه و اصراری به ادامه حضور نمایندگان خود در خلیج فارس و از جمله بندر ریگ نشان می‌داد (پاتر، ۱۳۹۳: ۳۷۶-۳۵۱).

سطح سوم: تبیین

ایده اولیه نگارش رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ» به گفته نویسنده در «پائیز شاید ۱۳۴۸ یا این حدود» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۰) توسط اسماعیل رائین به نادر ابراهیمی داده شد که به وی القاء کرد که: «افسانه را رها کن! ایران هیچ مرد دریایی بزرگ به جز این میرمهنا ندارد و نداشته است» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۱). ابراهیمی در مقدمه این رمان مطول شرحی از چگونگی نگارش آن ارائه داد و گرچه فروتنانه ادعا کرد که اثر او نمی‌تواند عین واقعیت تاریخی باشد، اما ادعا کرد که «تا آنجا که مدارک و منابع تاریخی رخصت داده‌اند بر پایه مجموعه بزرگی از واقعیات و مستندات قابل اعتنای تاریخی بنا شده است و بیش از این با سرسپردگی کامل به نفس حق و حقیقت» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۹). ابراهیمی شرایط سیاسی ایران را تا پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ش. برای طرح مسأله میرمهنا مناسب نمی‌دانست (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۱)؛ بنابراین، تنها در سال ۱۳۵۸ ش. بود که طرح اولیه اثر خود را نوشت که فیلمنامه‌ای با این مضمون برای ساخت یک مجموعه تلویزیونی بود (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۱). وی این کتاب را به سان یک رمان تاریخی نوشت؛ رمانی که گرچه ادعا می‌شد بر پایه پژوهش در منابع تاریخی و با اتکای به آنها نوشته شده است، اما بر آن بود تا طرحی جدید دراندازد و تاریخی نوین به مخاطب عرضه کند.

نتیجه‌گیری

رمان «بر جاده‌های آبی سُرخ» بیش از آنکه یک رمان تاریخی بر پایه پژوهش دقیق و روشمند باشد، یک تاریخ‌نگاری داستانی، جدید و جعلی؛ این بار از پائین و در چارچوب تاریخ فرودستان است که ادعا می‌کند اجازه و امکان به صدا درآمدن شخصیت‌های کوچک‌انگاشته‌شده و به عمد فراموش و طردشده را به جامعه معاصر و آینده داده است. با این حال، شرح زندگانی و اقدامات میرمهنا در منابع نزدیک به ایام حیات او چندان بلند نیست و در همان اشارات اندک نیز جزئیاتی که ابراهیمی با تأکید بر آنها کتاب خود را نوشته است، نمی‌توان یافت. درست است که بخشی از این کوتاه‌نویسی بیش و پیش از آنکه به کم‌قدری میرمهنا مرتبط باشد، به مرکزگرایی گسترده و تاریخ‌نگاری‌های بفرموده مرتبط است که وقایع و رویدادهای پیرامونی در مناطقی دوردست چون سواحل خلیج فارس را در

حد ضرورت و به کوتاهی روایت می‌کرد یا به راحتی از نقل تمام یا بخش عمده آن می‌گذشت و تنها رویدادهای مرتبط با نخبگان بالاخص شخص حاکم و فرد حامی مورخ را ثبت و ضبط می‌کرد. اما با این حال، هیچیک از نطق‌های بلند، نامه‌های طولانی و خواسته‌ها و اهدافی که ابراهیمی به میرمهنا نسبت می‌دهد، نه تنها در منابع تاریخی که در پژوهش‌های جدید ایرانیان و غیرایرانیان نیز روایت نشده است و از این رو با شخصیتی برساخته و خیالی روبروئیم که بخشی از افکار، اهداف، خواسته‌ها و دیدگاه‌های سیاسی شخص نادر ابراهیمی و زمانه او را بازنمایی می‌کند. در این روایت برساخته کلیشه شاه خائن فاسد در برابر مردم به جان آمده در جای جای متن دیده می‌شود و میرمهنا نه تنها نماینده مردم جنوب و جمیع ایرانیان در برابر اروپائیان، بلکه نماینده مردم در برابر حاکمان خائن وابسته فاسدی است که وطن را به بیگانگان فروخته‌اند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۲۹۵-۲۹۳). در این ساختار از میرناصر پدر میرمهنا و شیخ سعدون حاکم عرب محلی که از آن با لقب «دزد» یاد می‌شود تا شاهرخ شاه افشار و حتی کریم خان زند که شخصیتی خاکستری دارد، همه در برابر مردم‌اند و از این رو است که میرمهناقی قصه برخلاف پدر سودای فرمانروایی ندارد و اجازه دست‌بوسی به مردم نمی‌دهد، چون این کار را زمینه‌ساز فاسدشدن خود می‌داند. این نوع از داستان‌پردازی که سنگ بنای آن را نادر ابراهیمی گذارد و چون میراثی به نسل بعدی داستان‌نویسان معاصر از جمله داستان‌گویان کودک و نوجوان مانند کتاب‌های جادوی دژ نوشته جعفر تونزنده‌جانی و جوان‌ترین سردار اثر مهدی میرکیایی منتقل شد، روایتی تکه‌تکه، ناتمام و مغلوپ از زندگی شخصیتی است که همانقدر که به شجاعت و تهور شهره بود، از شرارت، سفاکی، هنگامه‌جویی و خونخواری‌اش هم داستان‌ها گفته شده بود. شخصیتی فرزند زمانه خود در بطن رقابت‌های محلی سواحل خلیج فارس که گرچه به حضور هلندی‌ها در خلیج فارس پایان داد، اما لزوماً و هم‌زمان نه با همه اروپائیان در نبرد بود و نه درک عمیقی از پدیده جدید استعمار داشت. قهرمان‌سازی ابراهیمی از میرمهناقی بندر ریگی بی‌شباهت به رویکرد مورخان و نویسندگان کشورهای کوچک برساخته استعمار در دهه‌های اخیر نیست که در جستجو برای خلق قهرمانی ملی به جعل تاریخ دست می‌زنند. نطق‌ها و نامه‌های ساختگی میرمهنا مشابه سخنرانی آتشین میرویس هوتکی است که مورخان کشور نوظهور افغانستان در تلاش‌اند تا از او قهرمانی ملی برای کشوری بسازند که پیش از ظهور ملتش در جغرافیای سیاسی جهان رخ نموده است؛ قهرمان‌سازی غیرسودمندی که با قلب ماهیت تاریخ، موجبات بی‌اعتمادی نسل جوان را فراهم می‌کند و در کشوری دیرپا چون ایران نیازی به آن نیست.

منابع و مآخذ

کتاب و مقالات:

- ابراهیمی، نادر، ۱۴۰۲، *بر جاده‌های آبی سرخ*، تهران: روزبهان.
- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۲، *چابهار و دریای پارس*، زاهدان: صدیقی.
- ، ۱۳۷۰، *جزیره کیش و دریای پارس*، تهران: جهان معاصر.
- آقاجری، سید هاشم و غلامعلی رجائی، «نقش قبیله آل مذکور در خلیج فارس در دوره زند»، *مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، بهار ۱۳۸۶، ش. ۴۸، صص. ۱۰۸-۷۷.
- آقاگل زاده، فردوس و مریم‌سادات غیاثیان، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*، بهار و تابستان ۱۳۸۶، دوره سوم، ش. ۵، صص. ۵۴-۳۹.
- آقاگل زاده، فردوس، *آسیب‌شناسی تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی در ایران*، «مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی در تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، ۱۳۹۱»، تهران: نویسه پارسی.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۹۲، *تاریخ ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض قاجاریه*، تهران: دبیر.
- اولیویه، ۱۳۷۱، *سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره آغازین عصر قاجار*، ترجمه: محمدطاهر میرزا، تهران: اطلاعات.
- بامداد، مهدی، ۱۳۴۷، *شرح حال رجال ایران*، تهران: زوار.
- پاتر، لارنس جی، ۱۳۹۳، *تاریخ خلیج فارس از قدیم‌ترین دوران تاکنون*، تهران: ققنوس.
- پالتریج، برایان، ۱۳۹۵، *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، ترجمه طاهره همتی، تهران: نویسه پارسی.
- پوریزدان پناه کرمانی، آرزو، «نقد پسااستعماری رمان بر جاده‌های آبی سرخ»، *پژوهشنامه ادبیات داستانی*، دی ۱۴۰۱، دوره ۱۱، ش. ۴، صص. ۴۲-۲۱.
- توزنده جانی، جعفر، ۱۳۹۷، *جادوی دژ*، تهران: مدرسه.
- تیلور، استفن، ۱۳۹۷، *تحلیل گفتمان چیست؟*، ترجمه: عرفان رجبی و پدram منیعی، تهران: نویسه پارسی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، ۱۳۷۸، *فارسنامه ناصری*، به تصحیح و تحشیه: منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- دلدم، اسکندر، ۱۳۶۳، *خلیج فارس*، تهران: نوین.
- خان محمدی، حمیدرضا و محمود مهرآوران، «تحلیل گفتمان انتقادی آثار فخرالدین عراقی»، *پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی*، پائیز ۱۴۰۲، دوره ۴، ش. ۳، صص. ۹۰-۶۱.
- رئین، اسماعیل، ۲۵۳۶، *تاریخ دریانوردی ایرانیان*، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- رستم‌الحکماء (محمدهاشم آصف)، ۱۳۸۲، *رستم‌التواریخ*، به تصحیح: میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- رضایی، زهرا و احمد فروزانفر، «بررسی شخصیت میرمهنا و غایبی (چهره پایداری جنوب) از دیدگاه خورشید فقیه و ویلیام فلور»، *نشریه ادبیات دفاع مقدس*، مهر ۱۳۹۹، دوره ۴، ش. ۸، صص. ۷۴-۶۳.
- سجودی، فرزانه و زینب اکبری، «تحلیل انتقادی گفتمان مقامات مشایخ صوفیه»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زمستان ۱۳۹۳، سال پنجم، ش. ۴، صص. ۹۷-۷۳.

- سلطانی (شیخ‌الاسلامی بهبهانی)، سلطانعلی، ۱۳۹۱، *خلیج فارس و خوزستان*، به‌کوشش: سید علی آل‌داود، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شعبانی، رضا، ۱۳۸۳، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*، تهران: سمت.
- فاضلی، محمد، «تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، پائیز ۱۳۸۳، سال چهارم، ش. ۱۴، صص. ۱۰۷-۸۱.
- فرامرزی، احمد، ۱۳۴۶، *کریمخان زند و خلیج فارس*، تهران: [بی‌نا].
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۹۹، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه: روح‌الله قاسمی، تهران: اندیشه احسان.
- فرهنگی، سهیلا و سودابه بانگ‌آور، «تحلیل گفتمان انتقادی داستان کوتاه ناخلف نوشته سیدمهدی شجاعی»، ویژه‌نامه فرهنگستان (ادبیات انقلاب اسلامی)، پائیز ۱۳۹۴، ش. ۲، صص. ۱۵۴-۱۳۵.
- فلور، ویلم، «گزارشی از جزیره خارک»، مطالعات خلیج فارس، ۱۳۹۶، ش. ۹، صص. ۱۲۳-۱۲۱.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن، ۱۳۶۹، *گلشن مراد*، به‌اهتمام: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.
- کشاوری، کریم، ۱۳۶۳، *چهارده ماه در خارک: یادداشت‌های روزانه زندانی*، تهران: پیام.
- مظفری‌زاده، علیرضا، ۱۳۹۵، *تاریخ خاندان آل‌مذکور*، تهران: صفحه سفید و بنیاد ایرانشناسی.
- میرکیایی، مهدی، ۱۳۹۲، *جوان‌ترین سردار*، تهران: امیرکبیر.
- میری، افسانه و محمدجواد مهدوی، شهلا شریفی و بهروز محمودی بختیاری، «بررسی چگونگی تاریخ‌سازی نادر ابراهیمی در رمان آتش بدون دود براساس الگوی سه‌سطحی فرکلاف»، نشریه علمی جستارهای نوین ادبی، تابستان ۱۳۹۸، ش. ۲۰۵، صص. ۱۶۱-۱۳۹.
- نویایی، عبدالحسین، ۱۳۴۸، *کریمخان زند (کتاب جوانان)*، تهران: کتابخانه ابن‌سینا با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- ، ۱۳۸۶، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت.
- نیبور، کارستن، ۱۳۵۴، *سفرنامه کارستن نیبور*، ترجمه: پرویز رجبی، تهران: توکا.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۴، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت.
- ، ۱۳۸۶، *تاریخ خلیج فارس و سرزمین‌های همجوار آن*، تهران: پیام نور.
- هدایتی، هادی، ۱۳۳۴، *تاریخ زندیه*، تهران: دانشگاه تهران.
- هوارث، دیوید، ۱۳۹۷، *گفتمان*، ترجمه: احمد صبوری، تهران: آشیان.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۵، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.

لاتین:

Abdi, K, 2001, Politics and the Development of Archaeology in Iran. *American Journal of Archaeology*, Vol 1, No. 105, Pp 51- 57.

Agnew, J, 2003, *Geopolitics*. London: Routledge.

Dougherty, J & Pfaltzgraf, R, 1971, *Contending Theories of International Relation*, New York: Harper and Row.

Filint, C, 2011, *Introduction to Geopolitics*, London: Routledge.

- Germond, B, 2015, The Geopolitical Dimensions of Maritime Security. *Marine Policy*, Vol 11, No 54, Pp137- 142.
- Gray, C, 1986, *Maritime Strategy and the Defense of the West*, New York: National Strategy Information Center Press.
- Holsti, K, J, 1981, *International Politics: A Framework for Analysis*, New Delhi: Prentice Hall of India.
- Johnston, R, 1991, *Geography and Geographer: Anglo-American Human Geography*, Fourth Edition, London: Edward Arnold.
- Layne, C, 2012, This Time It's Real: The End of Unipolarity and the *Pax Americana*, *International Studies Quarterly*, Vol 56, No. 1, Pp 203- 213.